پرسه در بازار پارچه‌فروشان سرای سرخاب؛ ۹۲ دکان که هنوز با دست طرح می‌زنند

□ بازتاب‌نویس: مهسا کرمانی

سرای سرخاب از دور شبیه هیچ بازار دیگری نیست. سقف آجری کوتاه دارد و ورودی آن آنقدر باریک است که دو نفر با بقچه نمی‌توانند کنار هم وارد شوند. داخل، بوی نخ پنبه‌ای و رنگ گیاهی می‌پیچد و صدای تق‌تق دارها از پشت پرده‌های نمدی به گوش می‌رسد. این سرای قدیمی ۹۲ دکان دارد که همگی به پارچه‌فروشی مشغول‌اند و بیشتر پارچه‌ها هنوز با دست طرح می‌شوند. گزارش امروز ما به سراغ همین دکان‌ها رفته است تا ببیند زنجیره تولید چگونه کار می‌کند و چرا هنوز جوان‌ها به این کار تن می‌دهند یا نمی‌دهند.

حاج‌آقا رحیم کرمانی، پیرترین پارچه‌فروش سرای سرخاب، از ۷۱ سال پیش در همین راسته کار کرده است. او می‌گوید پدرش او را در ۱۴ سالگی آورد تا «نخ را بشمرد و رنگ را بچشد». امروز او فقط نظارت می‌کند و دو شاگرد جوان طرح‌ها را روی پارچه می‌زنند. او می‌گوید مشکل اصلی نه کیفیت کار است و نه مشتری، بلکه این است که کسی حاضر نیست صبح تا شب خم شود و فقط ۳ متر پارچه بسازد. به گفته او، یک طرح گل‌دار ۶۰ سانتی‌متری به ۱۲ روز زمان نیاز دارد و قیمت هر متر از ۴۵ هزار تومان شروع می‌شود.

در مقابل، برخی جوان‌ها تلاش کرده‌اند مدل کار را عوض کنند. مهسا کرمانی، نوه یکی از دکان‌ها، سایت کوچکی راه انداخته و سفارش‌ها را از شهرهای دیگر می‌گیرد. او می‌گوید ۶۰ درصد مشتری‌هایش از خارج از استان هستند و حاضرند برای یک شال دست‌باف ۲ ماه صبر کنند. اما همین مدل کار باعث شده پدرش از او گله کند که «پارچه را به ماشین می‌دهی و روحش را می‌کشی». این اختلاف نسل در تقریباً همه دکان‌ها دیده می‌شود و بخشی از گفت‌وگوها به همین موضوع اختصاص دارد.

از نظر اقتصادی، وضع سرای سرخاب شکننده است. یک متر پارچه دست‌باف با قیمت تمام‌شده ۱۸۰ هزار تومان، وقتی وارد بازار می‌شود به ۲۵۰ هزار می‌رسد و به دست مشتری نهایی به ۳۰۰ هزار. در مقابل، پارچه ماشینی مشابه با ۶۰ هزار تومان فروخته می‌شود. فروشنده‌ها می‌گویند ۷۰ درصد فروش سال مربوط به عروسی‌ها و مجلس‌هاست و بقیه ماه‌ها فروش به زحمت هزینه اجاره را می‌دهد. با این حال، هیچ دکانی تعطیل نشده است و صف انتظار برای گرفتن جای خالی طولانی است.

راه نجات از نظر برخی فعالان صنایع دستی، ثبت سرای سرخاب به عنوان یک مجموعه میراثی است. پرونده ثبت از سال گذشته در حال بررسی است و اگر تأیید شود، امکان وام کم‌بهره و حمایت از بازاریابی فراهم می‌شود. اما مسئولان می‌گویند بدون آموزش نسل جوان، هر کمک مالی فقط یک نسل عمر می‌کند. پیشنهاد رایج این است که یک کارگاه آموزشی کوتاه‌مدت در سرای برگزار شود تا شاگردها هم طرح بزنند و هم حساب و کتاب یاد بگیرند. تا پایان سال، قرار است نتیجه این طرح اعلام شود.

۱۲ کلاس برای ۴۰ کارگر؛ آموزش سواد در کارگاه‌های قالیبافی

□ بازتاب‌نویس: مهسا کرمانی

کارگاه‌های قالیبافی در حاشیه کویر، جایی که روزانه ۱۰ ساعت پشت دار می‌نشینند، سال‌ها فقط محل کار بوده‌اند. اما از مهر ماه امسال، ۱۲ کلاس آموزشی برای ۴۰ کارگر در سه کارگاه فعال برگزار شد. هدف ساده است: کارگر بتواند نام خود را بنویسد، حساب مزد خود را بداند و بفهمد چرا دستمزدش با قرارداد کارگاه فرق می‌کند. این طرح را انجمن صنایع دستی استان با همکاری یک گروه داوطلب اجرا کرده است. تا پایان آذر، ۳۱ کارگر گواهی پایان دوره گرفتند و قرار است دوره دوم از بهمن آغاز شود.

مدرس کلاس‌ها خانم فرشته نوروزی است که ۹ سال در یک کارگاه قالیبافی کار کرده و حالا با حقوق ثابت در آموزشگاه کار می‌کند. او می‌گوید بیشتر کارگران زن هستند و بسیاری از آنها حتی نام خود را روی کاغذ ننوشته‌اند. کلاس‌ها شنبه تا چهارشنبه برگزار می‌شود و هر جلسه ۲ ساعت است تا با دار و برنامه کار خانه تداخل نداشته باشد. کارگران می‌گویند اگر کلاس در ساعت کار برگزار شود، کسی نمی‌آید چون دستمزد روز خراب می‌شود.

مشکل بزرگ هنوز دستمزد است. کارگر در کارگاه سنتی معمولاً بر اساس تعداد گره و متر پارچه حقوق می‌گیرد و در کلاس هیچ درآمدی ندارد. برای جبران، صندوق کمک‌هزینه راه‌اندازی شده که روزانه ۲۰ هزار تومان به شرکت‌کنندگان می‌دهد. مدیر صندوق گفته منابع صندوق برای ۶ ماه کافی است و اگر کمک تازه نرسد، کلاس‌ها تعطیل می‌شود. این موضوع برای خانم‌ها که سرپرست خانوار هستند بسیار حساس است.

در کارگاه شماره ۲ که ۱۵ کارگر دارد، یکی از شاگردها ۵۲ سال دارد و تا امسال نمی‌توانست نام خود را بنویسد. او روز اول گریه کرد چون فکر می‌کرد دیر آمده است. مربی گفته این اتفاق در هفته سوم برای ۶ نفر دیگر هم تکرار شد. تصمیم گرفته شد کلاس‌ها یک هفته عقب بیفتد و مرور از سر گرفته شود. این تصمیم هزینه داشت اما باعث شد کسی از ادامه ندهد. مربی می‌گوید صبر بیشتر از هر روش دیگری لازم است.

ارزیابی اولیه نشان می‌دهد ۱۰ کارگر توانسته‌اند نام خود را بنویسند و ۷ نفر اعداد را تا ۱۰۰ بخوانند. هدف دوره دوم رساندن این عدد به ۲۰ کارگر است. اداره کار استان قول داده گزارش پایان دوره را بررسی کند و اگر نتیجه مثبت باشد، بخشی از هزینه را بپردازد. کارگران می‌گویند اگر این طرح ادامه پیدا کند، دخترهای نوجوان کارگاه‌ها هم می‌توانند بیایند و آینده متفاوتی برای خود بسازند.

۱۲ کلاس برای ۴۰ کارگر؛ آموزش سواد در کارگاه‌های قالیبافی

□ بازتاب‌نویس: مهسا کرمانی

کارگاه‌های قالیبافی در حاشیه کویر، جایی که روزانه ۱۰ ساعت پشت دار می‌نشینند، سال‌ها فقط محل کار بوده‌اند. اما از مهر ماه امسال، ۱۲ کلاس آموزشی برای ۴۰ کارگر در سه کارگاه فعال برگزار شد. هدف ساده است: کارگر بتواند نام خود را بنویسد، حساب مزد خود را بداند و بفهمد چرا دستمزدش با قرارداد کارگاه فرق می‌کند. این طرح را انجمن صنایع دستی استان با همکاری یک گروه داوطلب اجرا کرده است. تا پایان آذر، ۳۱ کارگر گواهی پایان دوره گرفتند و قرار است دوره دوم از بهمن آغاز شود.

مدرس کلاس‌ها خانم فرشته نوروزی است که ۹ سال در یک کارگاه قالیبافی کار کرده و حالا با حقوق ثابت در آموزشگاه کار می‌کند. او می‌گوید بیشتر کارگران زن هستند و بسیاری از آنها حتی نام خود را روی کاغذ ننوشته‌اند. کلاس‌ها شنبه تا چهارشنبه برگزار می‌شود و هر جلسه ۲ ساعت است تا با دار و برنامه کار خانه تداخل نداشته باشد. کارگران می‌گویند اگر کلاس در ساعت کار برگزار شود، کسی نمی‌آید چون دستمزد روز خراب می‌شود.

مشکل بزرگ هنوز دستمزد است. کارگر در کارگاه سنتی معمولاً بر اساس تعداد گره و متر پارچه حقوق می‌گیرد و در کلاس هیچ درآمدی ندارد. برای جبران، صندوق کمک‌هزینه راه‌اندازی شده که روزانه ۲۰ هزار تومان به شرکت‌کنندگان می‌دهد. مدیر صندوق گفته منابع صندوق برای ۶ ماه کافی است و اگر کمک تازه نرسد، کلاس‌ها تعطیل می‌شود. این موضوع برای خانم‌ها که سرپرست خانوار هستند بسیار حساس است.

در کارگاه شماره ۲ که ۱۵ کارگر دارد، یکی از شاگردها ۵۲ سال دارد و تا امسال نمی‌توانست نام خود را بنویسد. او روز اول گریه کرد چون فکر می‌کرد دیر آمده است. مربی گفته این اتفاق در هفته سوم برای ۶ نفر دیگر هم تکرار شد. تصمیم گرفته شد کلاس‌ها یک هفته عقب بیفتد و مرور از سر گرفته شود. این تصمیم هزینه داشت اما باعث شد کسی از ادامه ندهد. مربی می‌گوید صبر بیشتر از هر روش دیگری لازم است.

ارزیابی اولیه نشان می‌دهد ۱۰ کارگر توانسته‌اند نام خود را بنویسند و ۷ نفر اعداد را تا ۱۰۰ بخوانند. هدف دوره دوم رساندن این عدد به ۲۰ کارگر است. اداره کار استان قول داده گزارش پایان دوره را بررسی کند و اگر نتیجه مثبت باشد، بخشی از هزینه را بپردازد. کارگران می‌گویند اگر این طرح ادامه پیدا کند، دخترهای نوجوان کارگاه‌ها هم می‌توانند بیایند و آینده متفاوتی برای خود بسازند.

پرسه در بازار پارچه‌فروشان سرای سرخاب؛ ۹۲ دکان که هنوز با دست طرح می‌زنند

□ بازتاب‌نویس: مهسا کرمانی

سرای سرخاب از دور شبیه هیچ بازار دیگری نیست. سقف آجری کوتاه دارد و ورودی آن آنقدر باریک است که دو نفر با بقچه نمی‌توانند کنار هم وارد شوند. داخل، بوی نخ پنبه‌ای و رنگ گیاهی می‌پیچد و صدای تق‌تق دارها از پشت پرده‌های نمدی به گوش می‌رسد. این سرای قدیمی ۹۲ دکان دارد که همگی به پارچه‌فروشی مشغول‌اند و بیشتر پارچه‌ها هنوز با دست طرح می‌شوند. گزارش امروز ما به سراغ همین دکان‌ها رفته است تا ببیند زنجیره تولید چگونه کار می‌کند و چرا هنوز جوان‌ها به این کار تن می‌دهند یا نمی‌دهند.

حاج‌آقا رحیم کرمانی، پیرترین پارچه‌فروش سرای سرخاب، از ۷۱ سال پیش در همین راسته کار کرده است. او می‌گوید پدرش او را در ۱۴ سالگی آورد تا «نخ را بشمرد و رنگ را بچشد». امروز او فقط نظارت می‌کند و دو شاگرد جوان طرح‌ها را روی پارچه می‌زنند. او می‌گوید مشکل اصلی نه کیفیت کار است و نه مشتری، بلکه این است که کسی حاضر نیست صبح تا شب خم شود و فقط ۳ متر پارچه بسازد. به گفته او، یک طرح گل‌دار ۶۰ سانتی‌متری به ۱۲ روز زمان نیاز دارد و قیمت هر متر از ۴۵ هزار تومان شروع می‌شود.

در مقابل، برخی جوان‌ها تلاش کرده‌اند مدل کار را عوض کنند. مهسا کرمانی، نوه یکی از دکان‌ها، سایت کوچکی راه انداخته و سفارش‌ها را از شهرهای دیگر می‌گیرد. او می‌گوید ۶۰ درصد مشتری‌هایش از خارج از استان هستند و حاضرند برای یک شال دست‌باف ۲ ماه صبر کنند. اما همین مدل کار باعث شده پدرش از او گله کند که «پارچه را به ماشین می‌دهی و روحش را می‌کشی». این اختلاف نسل در تقریباً همه دکان‌ها دیده می‌شود و بخشی از گفت‌وگوها به همین موضوع اختصاص دارد.

از نظر اقتصادی، وضع سرای سرخاب شکننده است. یک متر پارچه دست‌باف با قیمت تمام‌شده ۱۸۰ هزار تومان، وقتی وارد بازار می‌شود به ۲۵۰ هزار می‌رسد و به دست مشتری نهایی به ۳۰۰ هزار. در مقابل، پارچه ماشینی مشابه با ۶۰ هزار تومان فروخته می‌شود. فروشنده‌ها می‌گویند ۷۰ درصد فروش سال مربوط به عروسی‌ها و مجلس‌هاست و بقیه ماه‌ها فروش به زحمت هزینه اجاره را می‌دهد. با این حال، هیچ دکانی تعطیل نشده است و صف انتظار برای گرفتن جای خالی طولانی است.

راه نجات از نظر برخی فعالان صنایع دستی، ثبت سرای سرخاب به عنوان یک مجموعه میراثی است. پرونده ثبت از سال گذشته در حال بررسی است و اگر تأیید شود، امکان وام کم‌بهره و حمایت از بازاریابی فراهم می‌شود. اما مسئولان می‌گویند بدون آموزش نسل جوان، هر کمک مالی فقط یک نسل عمر می‌کند. پیشنهاد رایج این است که یک کارگاه آموزشی کوتاه‌مدت در سرای برگزار شود تا شاگردها هم طرح بزنند و هم حساب و کتاب یاد بگیرند. تا پایان سال، قرار است نتیجه این طرح اعلام شود